

دکتر علی عباسپور:

شهید عباسپور از پیشگامان دانش بنیان و حامی متخصصین بود

شاید بیشتر از مردم، اقشار دانشگاهی او را بشناسند؛ وزیر نیرو در دولت شهید رجایی و استاد دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف و مؤسس دانشگاه صنعتی آب و برق؛ دکتر حسن عباسپور مردی که نامش در میان شهدای هفتم تیر می درخشد یک انقلابی متخصص و متعهد بود، اکنون برای آگاهی از زوایای زندگی سیاسی و علمی این شهید پای صحبت‌های دکتر علی عباسپور، برادر این شهید و یکی از شخصیت‌های علمی و سیاسی کشور می‌نشینیم:

■ آقای دکتر لطفاً در ابتدای گفت‌وگو در خصوص ویژگی‌های اخلاقی شهید حسن عباسپور برای ما بگویید؟

در درجه اول باید گفت ایشان فردی مهربان، دلسوز و خانواده دوست بودند و همواره احترام ویژه‌ای برای پدر و مادرش قائل بودند. همچنین از لحاظ تحصیلی ایشان چه در دبیرستان و چه در دانشگاه، بسیار باهوش و درس خوان بودند به گونه‌ای که همیشه جزو دانشجویان ممتاز دانشگاه بودند و دوره دکتری خود را در یکی از بهترین دانشگاه‌های لندن گذراندند. در خصوص ارتباط ایشان با دوستان‌شان نیز باید گفت که همواره سعی می‌کردند خیلی صادقانه با دوستان‌شان در ارتباط باشند و دوستان صادقی را برای خود انتخاب کنند. از سویی نیز شهید عباسپور فردی بسیار پرتلاش بود که برای هدف‌های بزرگ خود همواره تلاش و کوشش می‌کردند.

■ شهید عباسپور علاوه بر تحصیلات داخلی در خارج از ایران هم تحصیل کردند؟

بله؛ در دهه ۵۰ و بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه فارغ التحصیل شدند به همراه تعدادی از دوستان مانند مرحوم رنجبر، احسان و... در پایه‌گذاری توسعه دانشگاه برق نقش عمده‌ای داشتند بعد از آن در حدود سال ۵۲ به دانشگاه لندن رفت و تز خوبی را با یکی از استادان برجسته کار کرد که اکنون نیز یکی از موضوعات مهم در حوزه برق است ایشان بعد از گرفتن دکتری بلافاصله به ایران آمد و این به انقلاب و نهضت امام نزدیک شد و در این جریان حضور داشتند.

■ پیش از پیروزی انقلاب اسلامی؛ شهید عباسپور در چه قالبی به فعالیت سیاسی می‌پرداخت؟

ایشان بعد از گرفتن دیپلم در دانشگاه تهران قبول شدند و در دانشگاه با یک سری از دوستان و همکلاسی‌هایشان که بعد از انقلاب نیز جزو کارگزاران کشور شدند در ارتباط بودند و جلسات متعددی در حوزه‌های مختلف برگزار می‌کردند.

همچنین در این جلسه به مسائل سیاسی گوناگونی از جمله بررسی نفوذ اسلام در حکومت‌های مختلف و اداره حکومت‌ها بر اساس مطالبی که در قرآن عنوان شده بود مدنظرشان بود. همزمان که برای اخذ مدرک دکتری به دانشگاه لندن رفتند در آنجا هم با هسته‌های مسلمان در ارتباط بودند و تا هنگام بازگشت به ایران و انقلاب شکوهمند اسلامی نیز این روند ادامه داشت. همچنین در اواسط سال ۱۳۵۶ مجموعه‌ای را تشکیل دادند که در آن با استنادانی که تفکرات اسلامی داشتند در ارتباط بودند و توانستند حلقه ارتباطی گسترده‌ای را در میان دانشگاه‌های مختلف مانند دانشگاه تهران، امیرکبیر و... تشکیل بدهند. گفتنی است که هسته‌های اولیه این مجموعه پس از انقلاب اسلامی تشکّل جامعه اسلامی استادان را تشکیل دادند



ایشان که بسیار تأثیرگذار در آینده کشور بود، بیان کنم و آن هم این که ایشان بسیار مخالف نفوذ متخصصان خارجی در داخل ایران بودند. در واقع ایشان معتقد بودند که ما از لحاظ تخصصی و علمی از جایگاه خوبی برخوردار هستیم و لزومی ندارد که متخصصان خارجی در تمام ارکان کشور حضور داشته باشند و بخواهند که کشور را در دست بگیرند.

بنده یادم هست که در دوران پهلوی یکی از نیروگاه‌های برق کشور در دست ساخت بود که ایشان بسیار ناراحت بودند از اینکه متخصصان ایرانی با آن همه تخصص و توانایی حتی اجازه نصب دستگاه‌های پیشرفته را نداشتند و فقط کارهای پیش پا افتاده به آنها داده می‌شد. ایشان می‌گفتند که بنده که یک متخصص تحصیل کرده از دانشکده فنی تهران هستم بهتر از آنها می‌توانم داده‌ها را آنالیز کنم در حالی که آنها فقط می‌خواهند که ما کارهای پیش پا افتاده‌ای مانند اپراتوری را انجام دهیم و فرصت خدمت برای ما فراهم نمی‌شد. شاید این مطلب برای اواخر دهه ۴۰ باشد که اخوی شهید ما برای کارآموزی به آنجا رفته بود. ایشان مخالف این شدت وابستگی به آمریکا بود.

■ بعد از پیروزی انقلاب حزب جمهوری؛ نخستین محفل سیاسی و اجرایی بود که شهید عباسپور به صورت جدی به آن ورود پیدا کردند؟

بله ایشان بعد از انقلاب به حزب جمهوری پیوستند و در کنار شهید بهشتی بودند.

■ ونظرشان در خصوص تحزب و حزب چه بود؟

ایشان توجه ویژه‌ای به بحث تحزب داشتند و عمده نظرات ایشان در این خصوص با تفکرات و نظرات شهید بهشتی یکی بود و همان نظرات شهید بهشتی را دنبال می‌کرد. ایشان پیشرفت حکومت اسلامی را با تقویت بنیه علمی ممکن می‌دانست و معتقد بود بسیاری از فعالیت‌ها باید از طریق به کارگیری متخصص داخلی رقم بخورد؛ و این نشأت گرفته از تفکر شهید بهشتی بود. گفتنی است که با همین تفکرات، شهید بهشتی وارد کابینه شهید رجایی شد و به هیچ‌وجه روابط حسنه‌ای با بنی صدر نداشت و در واقع مقابل هم بودند، من دقیقاً از نظرات ایشان درباره بنی صدر مطلع نیستم اما به یاد دارم رابطه خوبی با بنی صدر نداشت و آنچه مسلم بود بعد از حضرت امام به عنوان بالاترین چهره سیاسی کشور؛ شهید بهشتی را قبول داشت و شهید بهشتی نیز تخصص و تعهد ایشان را پذیرفته و او را مانند برادر کوچکش به حساب می‌آورد.

■ لطفاً از چگونگی انتخاب شهید به عنوان گزینه وزارت در دولت شهید رجایی بگویید؟

بعد از انقلاب زمانی که اخوی بنده در دولت شهید رجایی وزیر نیرو شدند با توجه به این که دانشگاه‌ها برای مدت کوتاهی به واسطه حضور طیف‌های تندرو سیاسی تعطیل شده بود و در حقیقت دانشگاه از طریق این اقدام خانه‌تکانی شد. این مصادف با حضور برادرم در وزارت نیرو بود و ایشان از این فرصت استفاده کرد و با توجه به عقیده‌ای که در خصوص خود کفایی صنعت کشور داشتند، بسیاری از اساتید دانشگاه‌ها در رشته برق را دعوت به همکاری در وزارت نیرو کردند که این اساتید در حقیقت خیلی فعالانه توانستند کنترل

که نقش مهمی در پاسداری از تفکرات حضرت امام، استقبال و طرفداری از ایشان ایفا می‌کردند. همچنین دانشگاهیان که بخشی بزرگی از آنان همین تشکّل جامعه اسلامی استادان بودند در آستانه وقوع انقلاب اسلامی بیانیه در جهت سرنگونی رژیم شاهنشاهی و تأیید حضرت امام و درخواست بازگشت ایشان به ایران صادر کردند و از استادان خواستار حمایت از آن بودند. این در حالی بود که بسیاری از استادان اندیشه‌های لیبرالی و مارکسیستی داشتند. این استادان مارکسیست با برخی مسائل مثل آغاز شدن بیانیه به بسم‌الله مشکل داشتند از این رو بحث‌های بسیاری در میان اعضای مختلف دانشگاه اعم از استادان و دانشجویان صورت گرفت تا این که در نتیجه شهید عباسپور و دوستان‌شان توانستند که استادان و سایر دانشجویان را قانع کنند تا از این بیانیه و خود حضرت امام (ره) حمایت کنند و این بیانیه به امضای بسیاری از استادان مطرح دانشگاه‌های کشور رسید که یکی از بنیان اصلی این امر شهید عباسپور بود. البته استادان برجسته دانشگاه‌های مرجع توانستند همه را جمع کنند و این حرکت بزرگ در دفاع از نهضت امام اتفاق افتاد.

■ و قبل از انقلاب بیشتر با چه جریان‌هایی سیاسی همکاری داشت؟

این آقایان با هیچ مجموعه سیاسی در ارتباط نبودند در حقیقت خودشان یک مجموعه و هسته مستقلی بودند و تفکر اسلامی داشتند که بیشتر دنبال تشکّل حکومت اسلامی بودند و از همین رو بیشتر هم بیانیه‌های حضرت امام رحمة‌الله علیه و یا مباحث مرحوم آقای طالقانی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دادند و اصلاً به جریان‌های سیاسی رایج مثل نهضت آزادی و یا سازمان مجاهدین و... وابستگی نداشتند و پیرو عقاید حضرت امام بودند و در مباحث شهید مطهری و مرحوم شریعتی شرکت می‌کردند و در نزدیکی انقلاب با یکدیگر به مسجد الجواد می‌رفتیم و در بحث‌ها و سلسله جلسات شهید مطهری شرکت می‌کردیم و چون به دنبال اسلام ناب محمدی بودند با اشخاصی که این تفکرات را داشتند ارتباط برقرار می‌کردند اما از اینکه تا چه میزان به شهید مطهری نزدیک بودند اطلاع ندارم اما تفکرات شهید مطهری را پذیرفته و پیرو ایشان بودند و از تفکرات راهبردی شهید مطهری خیلی بهره‌می‌بردند.

■ آقای دکتر؛ شما از ارتباط نزدیک شهید عباسپور و شهید بهشتی چه میزان آگاهی دارید؛ لطفاً برای ما از این رابطه بگویید؟

در خصوص ارتباط شهید عباسپور با شهید بهشتی در دوران قبل از انقلاب بنده هیچ اطلاعی ندارم اما قاعدتاً بعد از انقلاب ایشان یکی از کسانی بودند که خیلی تنگاتنگ با شهید بهشتی همکاری می‌کردند و بسیار مورد تأیید و احترام شهید بهشتی بودند و این توفیق نصیب‌شان شد که با یکدیگر به شهادت رسیدند. همچنین افکار و تفکرات ایشان به شهید بهشتی بسیار نزدیک بود و به دلیل شخصیت علمی و معنوی شهید عباسپور با شهید بهشتی ارتباط داشتند و در واقع می‌توان گفت که شهید عباسپور یکی از افراد مؤثر و تأثیرگذار در حزب جمهوری اسلامی بودند.

■ شهید عباسپور؛ یکی از شهدای معیار در زمینه علم، تخصص و تعهد است؛ این ویژگی‌ها چطور در برادر شما تبلور پیدا کرد؟

بنده در میان سخنانم یک نکته خیلی مهم در خصوص تفکرات

ویژه نامه

چهل و یکمین

سالروز انفجار

تروریستی

دفتر حزب

جمهوری اسلامی

ایران